

وضع نیروهای شرق و غرب

دنیای امروز بیش از هر دوره تاریخی دیگر با مفهوم موازنه بستگی و بدان نیاز دارد. نیرومند شدن دست بشر و از پیش پای برداشتن فاصله‌ها و کاستن اهمیتی که دست خاکها و تعداد مردمان در گذشته داشته است به امور جهانی رنگی دیگر بخشیده است. امروز میتوان جهان را در ساعتی ویران ساخت این توانائی هراس‌انگیز را تنها توانائیهای مشابه آن میتواند تعدیل کند. از اینجاست که حفظ توازن دیگر نه تنها به عنوان یک هدف سیاسی بلکه همچون وسیله‌ای برای بقا انسان و جهان اهمیت دارد. به هیچ وجه نمیتوان به درستی ادعا کرد که شوروی یا آمریکا از نظر وسائل پرتاب بمب‌های هسته‌ای بر دیگری برتری دارند. برای اینکه بیشتر به میزان نیروهای مخربی که در دست طرفین است واقف شویم ذیلا مقایسه از قدرتهای شرق و غرب به عمل می‌آوریم.

در یک جنگ بزرگ ۴ عامل نقش اساسی را بازی میکند. موقعیت جغرافیائی نفرات و روحیه و تجهیزات. عامل اول برای طرفین مساوی است با این تفاوت که بلوک شرق به سرعت و به سهولت میتواند قوای خود را متمرکز کند ولی عملا دسترسی به زمینهای دور منجمله آمریکا ندارد، برعکس متفقین اگر سرزمین دشمن را با موشک بمباران کنند به سرعت میتوانند از این حمله بهره‌برداری کنند در مقابل رساندن مواد لازم به پایگاههایی که جهان سرخ را احاطه کرده کار مشکلی است.

از نظر نفرات، غرب بیش از ۶ میلیون سرباز دارد که ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار آن آمریکائی هستند. کمونیست‌ها ۴ میلیون و ۸۴۰ هزار سرباز که یک میلیون و ده هزار آن روسی میباشند در اختیار دارند. به این ترتیب از نظر نفرات جهان غرب بر شوروی برتری دارد.

روس‌ها جمعا ۶۰۰۰ تانک از نوع T۵۴ و ارتشهای غرب مجموعا ۱۰/۰۰۰ تانک از نوع M۴۸ و سانتوریون دارند. اما مزیت روس‌ها در اینست که به سهولت میتوانند از اقیانوس آرام تا اطلس نیروهای خود را به سرعت منتقل و مجهز کنند. در حالی که این امر برای آمریکا مشکلی است که باید به حساب آورده شود. نیروی هوائی غرب مجموعا ۲۹۰۰۰ هواپیمای جنگنده دارد در این نیرو باید قدرت نیروی هوائی استراتژیکی آمریکا را نیز به حساب آورد. شوروی و اقمار آن جمعا ۲۵۰۰۰ و هواپیمای جنگی دارند که یک هزار آن با سرعت مافوق صوت حرکت میکند به این ترتیب نیروی هوایی شرق و غرب تقریبا مساوی است.

از نظر نیروی دریائی، چند ماه پیش دریادار تاچ فرمانده نیروی دریائی آمریکا گفت روسها به احتمال زیاد زیر دریائیهای موشک انداز دارند لکن بعید به نظر میرسد که زیر دریائیهای اتمی ساخته باشند وی افزود که زیر دریائیهای آمریکائی حامل موشک‌های پلاریس از زیر دریائی‌های روسی به مراتب قویتر است ولی برای مقابله با خطر زیر دریائیهای روسی باید هر چه زودتر بر شماره زیر دریائی‌های اتمی آمریکا و نیروی ضد زیر دریائی‌ها افزوده شود. چندی بعد قبل از مانور عظیم دریائی شوروی فرمانده نیروی دریائی آن کشور گفت که: «شوروی دارای زیر دریائیهای اتمی مجهز به انواع موشک اتمی است و این زیر دریائی‌ها چه از لحاظ نوع و چه از لحاظ تعداد بر زیر دریائی‌های آمریکا برتری دارند. نیروی دریائی شوروی در وضع فعلی مدرن‌ترین و نیرومندترین نیروی دریائی جهان است» وی افزود: «محافل امپریالیستی آمریکا تصور می‌کنند که با زیر دریائیها و آن موشک‌های پولاریس خود میتوانند علیه اتحاد شوروی دست به حمله بزنند». مقاله‌ای که چندی بعد هفته نامه اخبار آمریکا و گزارش‌های جهان تحت عنوان مناطق خطرناک جهان کجاست انتشار داد تا اندازه‌ای موید ادعای فرمانده نیروی دریائی شوروی است. این هفته نامه می‌نویسد: «اتحاد شوروی چندین زیر دریائی اتمی در خدمت دارد که در حال حاضر سوومندی آنها را نمیتوان ارزیابی کرد ولی وجود تعداد کمی زیر دریائی دیزل شوروی

است که آمریکا را با خطر بزرگی روبرو ساخته است. زیر دریائی‌های مذکور که مجهز به موشکهای بالتیک (برد کوتاه) میباشند میتوانند بیدرنگ شهرهای ساحلی آمریکا را هدف قرار دهند بدین ترتیب به نظر میرسد که نیروی دریائی شوروی از نیروی دریائی آمریکا قویتر باشد.»

روزنامه پراودا مورخه ۲۳ فوریه می‌نویسد: «ارتش شوروی در حال حاضر با چنان سلاحها و سازمانهای نیرومندی مجهز است که میتواند هر متجاوزی را نابود کند، اسلحه ضد هوائی شوروی میتواند از فواصل بسیار دور هواپیماها و موشکهای دشمن را با دقتی به میزان صددرصد نابود کند. بدین ترتیب مسئله نابود کردن موشکهای در حال پرواز حل شده است. تعداد واحدهای موشکی ارتش شوروی ۲۰۰۰۰ است و این واحدها قادرند هر دشمنی را با تمام نیروی آن درهم بشکنند.»

روزنامه کیهان در ۲۳ مرداد ۴۰ به نقل از هفته‌نامه اخبار آمریکا و گزارشهای جهان می‌نویسد: «بیش از آنچه که مردم حدس می‌زنند شوروی در محلهای مناسب موشکهای قاره‌پیمای فراوان مستقر کرده است.»

روزنامه کیهان در ۲۴ مرداد ۴۰ از قول جوزف آلسوپ مفسر سیاسی مشهور آمریکا می‌گوید: «سلاحهای جدید موشکی شوروی با فرضیه نظامی آنها که وارد ساختن اولین ضربه در نبرد است جور درمی‌آید. عکس‌العملی که خروشچف در مورد سلاح جدید از خود نشان داده معرف این است که سلاح جدید اهمیت خاص و جداگانه‌ای دارد.» یک دانشمند آمریکائی می‌گوید: جنگ اتمی آمریکا و شوروی فقط دوشب طول میکشد و همه به طور یکسان نابود خواهند شد. مجموع قدرتهای اتمی طرفین برابر ده میلیارد تن ماده منفجره تی - ان - تی است و این عقیده را که آمریکا پس از حمله اتمی شوروی میتواند حمله انتقامی خود را شروع کند بی‌ارزش خواند.

خروشچف در ۲۹ ژوئیه گذشته به سفیر انگلستان گفت که اگر جنگی درگیر شود بیش از دویست میلیون از انبای بشر نابود خواهند شد، وی افزود که برای نابود کردن فرانسه و انگلستان فقط احتیاج به ۲۰ بمب اتمی روسی است (پس تکلیف ما نیز روشن شد).

در مسابقه تسخیر فضا که مسلماً در آتیه اهمیت نظامی خواهد یافت با توجهی به جدول مقایسه پروازهای فضائی معلوم میشود که گرچه آزمایش اخیر آمریکا نشان دهنده پیدایش تعادل در این قسمت است و این امر باعث خوشوقتی است معهداً آمریکا در این زمینه هنوز هم از شوروی عقب‌تر است لاقلاً به این دلیل که آزمایشی را که چند روز پیش آمریکا انجام داد شوروی‌ها در چند ماه پیش به پایان رسانده بودند و مسلماً در طی چند ماه اخیر تدارکات جدیدی برای تسلط بر فضا دیده‌اند که هنوز نمایان نشده است.

بعد از این مقایسه مختصر بد نیست که توجهی هم به داخله دو کشور و وضع زمامداران آن بشود.

کیهان ۳ مرداد هم از قول م - ودر هاوز نماینده محافظه کار مجلس عامه انگلستان می‌گوید:

در ۲۴ ژوئیه ۵۹ خروشچف این اصل را صراحتاً در مسکو با عبارت زیر برای ریچارد نیکسون بیان داشت: «شوروی و آمریکا نیرومندترین کشورهای جهانند و اگر با هم دوستانه زندگی کنیم سایر کشورها نیز دوستانه خواهند زیست و اگر کشوری باشد که افکار جنگ طلبانه داشته باشد خواهیم توانست گوش او را کشیده و بگوئیم فضولی موقوف اکنون موقع جنگ نیست» دلائل کافی در دست است که نشان میدهد هر دو طرف عملاً اصل مذکور را پذیرفته‌اند.

باید در نظر داشت که افراطیون در هر کشور قدرت بالنسبه زیادی دارند.

اطلاعات شنبه ۲۸ بهمن نقل از نیویورک هرالد‌تریبون از قول والتر لیمین مینویسد:

«غرب علاقه فراوانی دارد که خروشچف در مبارزه‌ای که اکنون در جهان کمونیست جریان دارد دچار شکست نشود. آمریکا و شوروی بعد از ۱۹۵۸ تاکنون که مکرراً شاهد قطع و وصل شدیدترین بحرانهای مناسبات

خویش بوده‌اند اکنون همزمان با یکدیگر و بطور تدریجی در راه تلفیق افکار و اراده خود با حالت تعادلی که از لحاظ وحشت اتمی در میانشان به وجود آمده پیشرفت میکند، یک جنگ اتمی مطلقا و البته متقابلا محکوم به شکست و فاجعه و مصیبت خواهد بود.»

اطلاعات ۳۰ بهمن ۴۰ از فرانس البسرواتور نوشته موريس نقل میکند:

«در هر دو کشور افراطیون سران دو کشور را متهم می‌کنند که در مقابل طرف روش ملایمی را پیش گرفته‌اند دو دولت بزرگ شرق و غرب میخواهند به همدیگر نزدیک شوند و در عین حال در مقابل اتحادیه‌هایی که هر یک از دو کشور در آن شرکت دارند با مشکلاتی روبرو شده‌اند. لندن و پاریس برای آمریکا فقط به منزله دوستان قدیمی هستند. اهمیت جهان سوم اکنون کندی را وادار کرده است که در سیاست آمریکا تجدید نظر کند و این امر به مذاق انگلیس و فرانسه خوشایند نیست.»

نیکسون چند ماه پیش گفت که افرادی از ترس خطراتی که در اقدام و عمل نهفته است پیاپی به کندی توصیه می‌کنند که دست به هیچ کاری نزنند، باید دانست که همین دست روی دست گذاشتن کندی است که موجب بروز خطرات بزرگتری میشود.

نظری اجمالی به نیروهای شرق و غرب این اصل را مسلم میکند که ولو آنکه افراطیون در هر دو کشور مصدر کار شوند معهدا احتمال یک جنگ بین‌المللی خیلی ضعیف به نظر میرسد مگر آنکه یکی از طرفین سلاح جدیدی اختراع کند که وی را مطمئن سازد که بدون تحمل هیچ آسیب جنگ را خواهد برد و پیدایش چنین سلاحی هم فعلا از قدرت پیش‌بینی ما خارج است. یک موضوع دیگر که باعث میشود که اگر هم شوروی مقداری فزونی نیرو بر غرب داشته باشد از دست زدن به یک جنگ جهانگیر خودداری کند این است که در حال فعلی پس از یک جنگ ولو آنکه شوروی برنده باشد معهدا در اثر صدمات وارده به میزان زیادی در مقابل نیروهای بزرگی مانند چین ضعیف خواهد شد و کنترل خود را بر اوضاع بین‌المللی از دست خواهد داد.

بدین قرار در حال حاضر تنها جنگ سرد است که بین دو بلوک قابل دوام است و با توجه به اینکه هدف این جنگ جلب افکار عمومی جهان است نیروئی فاتح خواهد بود که بتواند این افکار را به سوی خود جلب کند. در این موقعیت کشورهای بی‌طرف میتوانند نیروی بزرگی تشکیل دهند که متحدا بتوانند از یک طرف خواسته‌های خود را به دو بلوک بقبولانند و بیش از نیروهائی که در بلوکهای متخاصم وارد شده‌اند استفاده کنند (همطور که در حال حاضر آمریکا به هندوستان که یک کشور بیطرف است بیش از پاکستان که کشور طرفدار غرب به شمار میرود کمک میکند) و از طرف دیگر یک نیروی قوی اخلاقی و روانی تشکیل دهند که بتواند توازن قوا را برای جلوگیری از جنگ بین طرفین برقرار سازد.

بحث تحلیلی شماره ۴